



وظائف ما در مقابل استعدادهایمان چیست؟

**شما یک سرمایه دار هستید، باور کنید!**

انگشتی که از مشهد خریدم آنچنان برق و جلایی داشت که برای درخشیدنش نیازی به نورهای زرد و طلایی نبود. فکر می‌کنم پدرم ارزش این انگشتر را بیشتر از من می‌دانست. نگران بود که این سرمایه ارزشمند را گم کنم، درست و حسابی از آن استفاده نکنم و حتی آن را یک گوشه‌ای رها کرده و فراموشش کنم. من قبل از این‌هم نگرانی پدرم البته خیلی بیشتر و شدیدترش را دیده بودم؛ وقتی داشتم به انتخاب رشته متوسطه فکر می‌کردم یا برای کلاس‌های تابستانی‌ام برنامه‌ریزی می‌کردم.

پدرم نگران بود وقت و عمرم تلفنشده و در راه درست و حسابی صرف شود، اما بیشتر از همیشه در فکر استعدادهای من بود. انگار قدر و قیمت استعدادهای و سرمایه‌های درونی من را هم بیشتر از خودم می‌دانست.

در دیدار رهبر انقلاب با نخبگان، آقا همان پدر مهربانی بودند که در مورد سرمایه‌های درونی جوانان صحبت می‌کردند.

## بگو ممنونم

بعضی چیزها را بارها باید تکرار کنیم؛ مثلاً، اینکه هر آنچه داریم از خداست و برای داشتنش باید او را شکر کنیم. آقا این موضوع را به عنوان اولین نکته فرمودند: «عزیزان من! نخبگی یک نعمت الهی است، اول چیزی که در ذهن شما قرار می‌گیرد این باشد که این نعمت را شکرگزاری کنید. این وظیفه همیشگی است.»

## نابرده رنج، اتفاقی نمی‌افتد

اگر خیال برمان داشته که می‌توانیم دست روی دست بگذاریم و استعدادهایمان شکوفاشده و به تکتک اهدافمان برسیم، باشیم تا صبحِ دولتمان بدمد. هیچ‌وقت در حساب‌و‌کتاب دنیا از این خبرها نبوده است. آقا هم بر این موضوع این‌گونه تأکید کردند:

«آن چیزی که نخبه را نخبه می‌کند صرفاً استعداد و ظرفیت ذهنی نیست. اگر این ذهن را به کار نیندازد، از این ظرفیت استفاده نکند، با تنبلی، بی‌حالی، بی‌توجهی و غفلت بگذراند مسلماً تبدیل به نخبه نخواهد شد؛ نخبه آن کسی است که قدر استعداد را می‌داند، آن را به کار می‌اندازد و با همت بالا و قبول زحمت و قبول مجاهدت، خودش را به یک نخبه تبدیل می‌کند.»

## آبنبات می‌خوری؟

کسی که از ارزش یک شیئی غافل باشد آن را به راحتی و با کمترین قیمت‌ها از دست خواهد داد. ممکن است آن وسیله ارزشمند را با یک آبنبات چوبی معامله کند، یا آن را در گوشه‌ای فراموش کند. استعدادهای هم‌حسابی ارزشمندند، دشمنان و سودجویان خوششان می‌آید یک ملت از ارزش این سرمایه‌شان غافل شده و آن‌ها نقشه خودشان را پیش ببرند. در دیدار نخبگان رهبر انقلاب فرمودند: «وقتی که غفلت از توانایی خود بر ملتی حاکم شد، غارت آن ملت آسان می‌شود.»

## مسئولیت‌پذیر و دغدغه‌مند

راستی اگر بنا باشد با یک جمله پدر و مادر، یک بی‌توجهی معلم و استاد یا اینکه در اداره‌ای ما را تحویل نگرفتند، شاکی بشویم پس احساس مسئولیت‌مان نسبت به جامعه و مردم کجا رفت؟ در مسیر شیب و آسفالت شده که سرعت‌گرفتن کار سختی نیست. آقا به نخبه‌های جوان یادآور شدند:



«شخص نخبه در قبال مسائل کشور باید احساسِ مسئولیت بکند. این برداشت که همه چیز باید آماده باشد و در جای خود باشد تا نخبه بتواند کار بکند، برداشت درستی نیست؛ گاهی بایستی با موانع مبارزه کنید، این‌ها نبایستی نخبه را از ادامه راه و از فعالیت و از تلاش منصرف بکند و نباید دلسرد بشوند. باید احساس مسئولیت کند، تلاش کند، دنبال کند. این همان شکری است که اشاره کردم.»

## مشتاق آن آینده

با همه سرمایه‌های درونی، تلاشی که برای پرورش آنها می‌کنید و با همتی که برای رد کردن موانع به کار می‌برید چشم از افق‌های روشن و اهداف بلندی که برای کشور ترسیم شده برندارید. اگر افق را خوب ببینیم جهت حرکتمان هم درست خواهد بود. وقتی این سرمایه‌ها را از خدا داریم شکی نیست که مسیر حرکتمان هم باید در جهت رضایت او باشد.

